

## تحلیل و بررسی تمایز مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی و غربی

<sup>۱</sup> رحیم کارگر

<sup>۲</sup> محمدهاشم وزیرزاده

### چکیده

در میان موضوعات علوم انسانی، انسان‌شناسی از جهاتی ام‌المسائل محسوب می‌شود. از سویی با توجه به رشد چشم‌گیر آینده‌پژوهی و اهمیت بحث مهدویت و ظهور در دین اسلام، پرداختن به مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی کار بسیار ضروری و مهم است. هدف این تحقیق، بررسی وجوه تمایز میان مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی با مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی غربی است. روش تحقیق آن، کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده و به صورت علمی نگاشته شده است. آینده‌پژوهی اسلامی با محوریت نگاه توحیدی، ناظر به امر ظهور و مهدویت است و برخلاف نگاه غرب به انسان، آینده و فرجام بشریت را روشن می‌داند و دین نقش پررنگی در آینده انسان و جهان دارد. مهم‌ترین تمایز مبانی انسان‌شناختی در آینده‌پژوهی دین و غربی عبارتند از: انسان خدامحور به جای اومانیسیم، انسان ابدی به جای انسان مادی و اعتقاد به امت واحد به جای ملی‌گرایی است و تحقق تئوری آینده‌پژوهی دینی ارائه شده، از قطعیت و حتمیت برخوردار است.

**کلیدواژگان:** آینده‌پژوهی غربی، آینده‌پژوهی اسلامی، مهدویت، اومانیسیم، پلورالیسم، سکولاریسم،

ملی‌گرایی.

## مقدمه

تاکنون مکاتب فکری متفاوتی در مورد آینده جهان و انسان پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند. واقعیت این است که انسان اشتیاقی طبیعی برای اطلاع از فردا و آینده دارد و این ویژگی ذاتی است که در نهاد هر فردی وجود دارد. تلاش برای رمزگشایی از آینده، قدمتی به اندازه حیات بشر بر روی کره خاکی دارد. ادیان آسمانی، مناسب‌ترین پاسخ را به این نیاز بشری داده‌اند و دین اسلام، آینده جهان و انسان را به امر مقدس ظهور انسان کامل، گره زده است. آینده، پدیده‌ای حتمی است که روند تحقق آن از گذشته آغاز می‌شود و در طول زمان، امتداد می‌یابد. روند زمان، امتدادی خطی دارد و نه نقطه‌ای. آینده، امتداد حال و گذشته است و اگر ما به سوی او نرویم، او به سوی ما خواهد آمد و قطعاً با آن روبه‌رو خواهیم شد.

اما آینده چگونه است و با انسان چه خواهد کرد؟ آنچه مسلم است چهره آینده برای انسان همیشه گنگ است و انسان برای شناختن آن یا ایجاد آینده مطلوب خود، تلاش می‌کند. او باید در جهت رویارویی با آینده، پیش‌بینی و حتی تغییردهی آن، خود را آماده کند؛ وگرنه در مقابل آن، غافلگیر خواهد شد؛ لذا بوده‌اند کسانی که با اتخاذ شیوه‌هایی کوشیدند آینده را حدس بزنند، یا آن را به نوعی ترسیم کنند. مدیریت آینده، یکی از راهبردهای اساسی برای اداره جوامع بشری محسوب می‌شود. آینده پژوهی به دنبال کشف، ارزیابی و پیشنهاد آینده‌های ممکن و محتمل و مطلوب است و از طرفی ساخت آینده مطلوب، مبتنی بر شناخت عناصر سازنده آن، اصول و مبانی آینده پژوهی است. بعد از توجه به ضرورت آینده پژوهی باید بررسی کرد که کدام دیدگاه و مکتب و جهان بینی می‌تواند آینده را با روشنی بیشتر در اختیار ما قرار بدهد؟ و آینده‌نگری کدام یک از آنها قابل اعتمادتر و به واقع نزدیک‌تر است؟

به همین سبب، درصدد هستیم نگاه درستی به آینده و نقش انسان در شکل‌گیری آینده ارائه شود و با نگاهی توصیفی-تحلیلی به «مبانی انسان‌شناختی آینده پژوهی»، زمینه‌ای برای بررسی تطبیقی دو گونه آینده پژوهی اسلامی و غربی فراهم آید. همچنین با تئوریزه شدن مبانی انسان‌شناختی آینده پژوهی دینی و غیر دینی، شالوده مناسبی برای رشد و شکوفایی این رویکرد مهم و اساسی در جوامع دینی، فراهم گردد. یکی از مهم‌ترین مراحل شکل‌گیری آینده پژوهی اسلامی، تبیین و تدوین مبانی انسان‌شناختی آینده پژوهی اسلامی و تطبیق و مقایسه آن با مبانی

انسان‌شناختی آینده‌پژوهی غربی است.

## طرح مسئله

شناخت انسان و آینده او در هستی و جایگاه او در شکل‌گیری آینده از مسائل بسیار مهم امروز بشر است. هر مکتبی را با انسان‌شناسی آن بهتر می‌توان شناخت؛ چون انسان‌شناسی هر مکتب، بیان‌گر همه ایده‌آل‌ها، آرمان‌ها و طرح‌های آن مکتب برای انسان است. هر طرح تازه‌ای برای انسان، در گرو مبانی انسان‌شناختی است؛ به خصوص اگر بخواهیم از آینده‌پژوهی اسلامی و تفاوت آن با آینده‌پژوهی رایج در غرب سخن بگوییم. به همین سبب درصدد هستیم نگاه درستی به آینده و نقش انسان در شکل‌گیری آینده ارائه کنیم و آینده‌پژوهی مبتنی بر اندیشه اسلامی را شکل دهیم. با توجه به اهمیت و حساسیت آینده‌نگری برای جوامع بشری، برخی دانشمندان مسلمان به دنبال تدوین و توجیه آینده‌پژوهی مطابق با مبانی و اصول اسلام و نگاه به امر قدسی ظهور هستند و یکی از مهم‌ترین مراحل شکل‌گیری آینده‌پژوهی اسلامی، تبیین و تدوین مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی و تطبیق و مقایسه آن با مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی غربی است.

این تحقیق در پی آن است که با نگاهی توصیفی-تحلیلی به «مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی»، زمینه‌ای برای بررسی تطبیقی دو گونه‌ی آینده‌پژوهی اسلامی و غربی فراهم آید، تا با «تئوریزه» شدن مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی دینی، شالوده مناسبی برای رشد و شکوفایی این رویکرد مهم و اساسی در جوامع دینی، فراهم گردد.

## مفهوم شناسی

### مبانی انسان‌شناسی

مبانی انسان‌شناختی، گزاره‌هایی خبری از دانش انسان‌شناسی است و آن دسته از قضایای فلسفی می‌باشد که به بررسی نحوه وجود ابعاد و احوال وجودی انسان می‌پردازد.<sup>۱</sup> این مبانی،

۱. لطیفی، مبانی فلسفی علم تعلیم و تربیت، ص ۵۹.

شامل اصول کلی انسان‌شناسی و اصول موضوعه کلامی و فلسفی آن و همچنین پیش‌فرض‌ها یا گزاره‌های خبری (توصیفی) و بدیهی که در علوم دیگر به اثبات می‌رسند، می‌باشد. مبانی انسان‌شناختی با موجودیت علوم انسانی، ارتباط مستقیم دارد.

### آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی<sup>۱</sup> فرایندی علمی است که استدلال، انتخاب و اقدام را در می‌آمیزد،<sup>۲</sup> و دانشی است که عقلانیت و تکرارپذیری بر آن حاکم است و از ابزارهای علمی و منطقی استفاده می‌کند.<sup>۳</sup> آینده‌پژوهی، تصاویری از آینده در اختیار ما قرار می‌دهد تا در زمان حال، بر اساس این تصاویر بتوانیم به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری کنیم. در همین حال، آقای وندل بل، آینده‌پژوهی را چنین تعریف کرده است: «آینده‌پژوهی، علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است».<sup>۴</sup>

آینده‌پژوهی علم میان‌رشته‌ای است که با روش‌هایی که مبتنی بر حدسیات و معادلات ریاضی است، تصویری از آینده را مقابل انسان قرار می‌دهد و به انسان در انتخاب آینده مطلوب یا ساختن آن، کمک شایانی می‌کند.

### پیشینه آینده‌پژوهی

کنجکاوی و تفکر در مورد آینده، قدمتی به اندازه عمر بشر بر روی زمین دارد و در میان همه اقوام و جوامع وجود دارد. با پیشرفت علم و تکنولوژی، داستان‌های علمی و تخیلی نیز برای ترسیم چهره آینده به کار می‌آمدند و با گسترش چشمگیر ابزارهای اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی، پیچیدگی روابط، افزایش عدم قطعیت‌ها، وابستگی‌های متقابل و کوتاه شدن زمان برای ارتباط‌گیری و بحث رقابت مبتنی بر زمان، اهمیت ویژه‌ای یافت.<sup>۵</sup>

1. Future Studies.

۲. بل، مبانی آینده‌پژوهی، ص ۱۷۶.

۳. پدram و عبوضی، درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی، ص ۶.

۴. ملکی‌فر و همکاران، الفبای آینده‌پژوهی، ص ۶.

۵. تیشه یار، آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک، ۱۳۹۶، ص ۲۵.

در تحقیقات اجتماعی، رشته جدیدی به نام آینده‌پژوهی<sup>۱</sup> پدید آمده که با هدف تحقق آینده مطلوب برای بشریت به مطالعه روشمند و بررسی آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح می‌پردازد.<sup>۲</sup> آینده‌پژوهی علم مقصد‌شناسی و جهت‌یابی است، که کجا و چطور باید برویم؟ و چه مسیری را باید بگذرانیم تا به مقصد عالی خود برسیم؟<sup>۳</sup> آینده‌پژوهی به معنای شناخت آینده و آمادگی برای رویارویی با حوادثی است که در آن اتفاق می‌افتد. ترسیم آینده مطلوب در گرو شناخت دقیق و واقعی امکانات خود، شناخت محیط، ارزش‌های حاکم بر محیط و شناسایی عوامل بازدارنده و موانع و آسیب‌ها می‌باشد.

روند رشد آینده‌پژوهی در قرون ۱۳ تا ۱۵ به طور تدریجی در اروپا شدت گرفت. تاکنون به سه نوع عمده از آینده‌پژوهی برمی‌خوریم که عبارتند از: آینده‌پژوهی با توسل به خرافات (خرافی)، آینده‌پژوهی با توسل به ابزار علمی (علمی) و آینده‌پژوهی با توسل به آموزه‌های وحی (دینی). این نوع آینده‌پژوهی از خرافات پرهیز جدی دارد و تفاوت در برخورداری از جهان‌بینی و پایبندی به ارزش‌ها و حساسیت درباره آنها است.<sup>۴</sup> رویکرد آینده‌اندیشی انسان، از پیش‌بینی و پیش‌گویی رویدادهای گوناگون آینده، شروع شد و با رشد تخصص‌گرایی در علم و زیاد شدن عوامل و مسائل اجتماعی، به جای فنّ پیشگویی آینده، علم آینده‌شناسی پا به عرصه وجود گذاشته است.

مسئله شناخت آینده انسان و جهان، دایر مدار توجه به مبانی علمی مختلفی، از جمله مبانی انسان‌شناختی و ماهیت وجودی انسان است که باید مورد بررسی قرار گیرد.<sup>۵</sup> در علم فرارشته‌ای آینده‌پژوهی، می‌توان از مبانی متعددی بحث کرد، و خیلی از مبانی که در علوم دیگر اثبات شده‌اند در این علم مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیاز به اثبات مجدد ندارد. در این تحقیق به مقایسه و تطبیق مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی دینی و غربی پرداخته می‌شود.

1. Future Studies.

۲. رک: عنایت الله، پرسش از آینده، ص ۷.

۳. ملکی فر و همکاران؛ الفبای آینده‌پژوهی، ص ۱۲۲.

۴. صادقی، آینده‌پژوهی با رویکرد دینی، ص ۱۱۲.

۵. رک: عیوضی، آینده‌پژوهی و مطالعات دینی، ص ۴.

## آینده پژوهی دینی

ادیان از کهن‌ترین پدیده‌های تاریخ بشری هستند و تاریخ فرهنگ و تمدن انسانی همیشه با اعتقاداتی دینی همراه بوده و هست. مکاتب دینی از هر دیدگاه فلسفی و علمی، آینده‌نگرتر هستند.<sup>۱</sup> آینده‌پژوهی اسلامی، مبانی و اصول موضوعه خود را از اسلام ناب اخذ می‌کند و نگاه به امر مقدس «ظهور» دارد؛ اما در صورت لزوم از ابزارها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی عرفی با رعایت ملاحظات خاص استفاده می‌کند.<sup>۲</sup> آینده‌پژوهی دینی، با رویکرد جدید پژوهشی و نظریه‌پردازانه و نگاه کلان و کل نگر، انسان‌ها را متوجه شناخت و ساخت آینده می‌کند. مکتب اسلام با بینش و نگرش مستند و متقن، برگرفته از وحی و سنت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام که دو عامل جدایی‌ناپذیر برای رسیدن بشریت به قله کمال و سعادت دنیایی و آخرتی هستند، استفاده می‌کند و چشم‌انداز و افق روشن و وضعیت مطلوب را برای بشریت در مقابل پیروان خود قرار می‌دهد.

## اشتراک و تفاوت آینده‌پژوهی دینی و غربی

به طور کلی آینده به دو صورت پدید می‌آید: یا به دنبال حدس و گمان و اندیشیدن انسان است و یا از آسمان و از طرف خداوند بر بشر نازل شده است. این دقیقاً همان وجه تمایزی است که آینده‌پژوهی علمی-تجربی را از آینده‌پژوهی دینی جدا می‌سازد. همه آینده‌پژوهی‌ها در هر دیدگاه و مکتبی که باشند، بنابر وحدت ذاتی، در موضوع این علم، فلسفه وجودی و حتمی بودن تاثیر این علم در زندگی انسان، دارای وجوه مشترکی می‌باشند.<sup>۳</sup> این وجوه مشترک در همه انواع آینده‌پژوهی‌ها، باعث نزدیک شدن ذاتی اکثر دیدگاه‌های آینده‌نگرانه می‌شود. نقاط اختلافی دیدگاه و مکتب آینده‌پژوهی، با توجه به جهان‌بینی و ایدئولوژی هر مکتب، گزاره‌های شناخت آینده و عواملی که موثر در ساخت آینده هستند و همچنین روش‌ها و اصول هر کدام، متفاوت خواهند بود.

۱. منطقی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ص ۱۹.

۲. مسلمی زاده، پایگاه دانش آیات و روایات آینده‌اندیشی، ص ۹.

۳. کمیجانی، افق آینده، ص ۶۴.

امروزه دو دیدگاه و مکتب در مورد آینده جهان مطرح است: اول آنکه آینده‌نگری بشری، یعنی جهان به سمت یک وحدت ساخت دست بشر و فرمول تنظیم شده از سوی انسان‌های قدرتمند و ثروتمند و در یک کلام به سمت جهانی شدن در حرکت است، و دیگر اینکه آینده‌نگری الهی، یعنی جهان به سمت یک وحدت الهی و تقدیری تنظیم شده توسط خالق انسان برای حاکمیت عدل و قسط و حکومت جهانی مستضعفان در حرکت است.

آینده‌پژوهی علمی با آینده‌پژوهی اسلامی، در اهداف، ابزارها، روش و رویکردها تفاوت بسیاری دارند که این تفاوت‌ها بازتاب و محصول جهان‌بینی و ایدئولوژی آن دو است.<sup>۱</sup> جهان‌بینی‌ها به اعتبارات گوناگونی قابل تقسیم هستند. از دیدگاه محتوایی، جهان‌بینی به دو دسته الهی و مادی تقسیم می‌شود. مکتب مادّی، چه از نظر واقعیت‌ها و چه از نظر نظام‌های حاکم بر واقعیت‌ها، مکتب انحصار روابط و نیروهای مادی و محدود است؛ اما مکتب الهی از هر دو نظر، مکتب ضدّ انحصار است و واقعیت را ثابت و به نظامات غیر مادی اعتقاد دارد.<sup>۲</sup> همه انسان‌ها در انسان بودن با یکدیگر مشترک هستند، و این، نوع تفکر و اندیشه آنها در مورد جهان و انسان و آینده است که آنها را مقابل هم قرار می‌دهد و مسیرشان را از یکدیگر جدا می‌کند.

همه دین‌ها و آیین‌ها و همه مکتب‌ها و فلسفه‌های اجتماعی، خواه ناخواه بر نوعی جهان‌بینی مبنی بوده و هست و جهان‌بینی يك آیین و مسلک، به منزله زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود.<sup>۳</sup> در یک ساختمان فکر و اندیشه، جهان‌بینی، زیربنا و شالوده آن است و ایدئولوژی، حکم طبقه رویین را دارد که بر اساس آن و بنا بر اقتضائات آن ساخته شده است. با این تفاسیر، مسیر آینده‌پژوهی در دو جهان‌بینی مادی و الهی متفاوت از یکدیگر خواهد بود.

آینده‌پژوهان به اصطلاح علمی، عرصه پژوهشی خود را کاملاً متفاوت و جدا از آینده‌نگری به اصطلاح دینی می‌دانند و حتی برخی آینده‌پژوهی دینی را بی‌مفهوم می‌دانند. از طرفی برخلاف آینده‌پژوهی عرفی که غالباً تصویرهایی منفی یا نگران‌کننده از آینده بشریت به دست

۱. مسلمی زاده، پایگاه دانش آیات و روایات آینده‌اندیشی، ص ۹.

۲. مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۲۷.

۳. مصباح یزدی، جهان‌شناسی، ص ۴۰.

می‌دهد، آینده‌پژوهی دینی، به آینده بشریت، نگرشی سبز و بالنده دارد.<sup>۱</sup>

اگر بخواهیم اختلافات جوامع انسانی برداشته شود و همه افراد و جوامع درکی مشترك از خوبی و بدی کارها داشته باشند، ضمن تصحیح درك انسان‌ها از کمال مطلوب، باید به دامن شرع و پیام الهی، پناه ببریم؛ زیرا هر چند عقل انسان به تنهایی در بسیاری از مسائل توانایی کشف رابطه میان افعال اختیاری و نتایج آنها را دارد، موارد فراوانی هم وجود دارد که عقل به تنهایی چنین توانایی و قدرتی در خود نمی‌یابد. اینجا است که نیازمند راهنمایی‌ها و دست‌گیری‌های وحی است. شرع مقدس با تبیینی که از روابط میان چنین کارهایی با کمال مطلوب ارایه می‌دهد، دست عقل را گرفته، او را در کشف آن روابط پنهان و نهفته یاری می‌رساند.

### تفاوت مبانی انسان‌شناختی آینده‌پژوهی اسلامی با غربی

اختلاف اسلام با نظام غرب، در همین تفاوت جهان‌بینی و نظام ارزشی آن است. این اختلاف، خود را در علوم انسانی و آینده‌پژوهی که جزء علوم انسانی هستند، نشان می‌دهد. آینده‌پژوهی بر اساس مبانی و مفاهیم بنیادی دو مکتب اسلام و غرب و پیش‌فرض‌های آنها، توسعه و رشد می‌یابد که در اینجا تنها به تفاوت مبانی انسان‌شناختی موثر در آینده‌پژوهی دینی و غربی می‌پردازیم.

### انسان‌محوری به جای انسان‌خدا محور

اولین تمایز در جهان‌بینی غربی و اسلامی، فردگرایی و عقل‌گرایی در غرب و خدا‌محوری در اسلام است. «آیین انسان‌پرستی» گرایش افراطی مکتب اومانیسم است که «انسان‌مداری» را جایگزین «خدا‌مداری» کرد. امروزه «اصالت انسان» گرایش غالب اروپا را تشکیل می‌دهد. بر اساس اصالت بخشیدن به انسان و نفی خدا، معتقد شدند که انسان باید به دنبال حقوق خود و طالب لذت‌های خویش باشد، و اگر خدایی هم وجود دارد، باید حقوق خود را از او باز ستاند و او هیچ حقی بر انسان ندارد. منشأ این گرایش، همان تفکر الحادی در «دوران رنسانس» است که

۱. مسلمی زاده، پایگاه دانش آیات و روایات آینده‌اندیشی، ص ۹.

به گونه‌های متعددی رشد پیدا کرده است.<sup>۱</sup> موضوع اصلی آینده‌پژوهی، انسان است و انسان در تفکر غرب، موجودی مادی و جسمانی، مختار و آزاد و فانی است که با مرگ طومار زندگی او هم جمع می‌شود، بی هدف بوده و سعادت او در آزادی از دین و سنت‌ها و رفاه بیشتر همین زندگی مادی اوست.<sup>۲</sup> در نظام ارزشی غرب، اصالت با فرد است نه جامعه یا چیز دیگر.<sup>۳</sup>

آینده‌پژوهی متأثر از تفکر مدرن غرب، و خاستگاه آن، اومانیسیم است. در نظام فکری و اندیشه‌ای که انسان، خود را همه‌کاره عالم می‌داند و ماورای محسوسات را قبول ندارد و سرنوشت و آینده خود و جامعه را با استفاده از ابزار حس و تجربه و عقل ابزاری، فقط در دستان خود می‌داند و خودش ملاک و معیار همه ارزش‌ها و ارزش‌گذاری‌ها است و به دنبال کسب منفعت و سود حداکثری است و خود را خالق محیط می‌داند و همواره دین و آموزه‌های آن را در ستیز با خواسته‌های بشر می‌داند و هدف نهایی خود را کسب لذت‌های جسمانی قرار داده است، و امور معنوی را غریزی می‌داند، تمام آینده او نیز در همین دنیای مادی خلاصه می‌شود. چنین انسانی با کسی که نظام فکری و اندیشه الهی دارد، بسیار فرق می‌کند. او اراده خود را در طول اراده خداوند می‌داند و قوانین حاکم بر هستی را و اراده خداوند را در ساختن آینده خود و جامعه را در نظر می‌گیرد و فراتر از جهان مادی فکر و برنامه ریزی می‌کند؛ چون خود را ابدی و مرکب از جسم و روح می‌داند.

فردگرایی، اندیشه‌ای در طول اومانیسیم است و در عقلانیت لیبرالی، «من»، محور همه چیز است و حتی به گمان عده‌ای، انسان فاقد کمال روحانی می‌باشد.<sup>۴</sup> آنها جامعه را تصنعی و اعتباری می‌دانند،<sup>۵</sup> و آن را تنها بستری برای برآورده شدن آرزوی فرد می‌دانند و ادعا می‌کنند که جامعه چیزی نیست جز مجموعه افرادی که علایق، خواست‌ها و نگرانی‌های خاص خود را

۱. رک: مصباح یزدی، نظریه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. نصری، سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، ص ۳۷۱.

۳. نصری، گفتمان مدرنیته، ص ۲۱.

۴. صانع پور، نقدی بر مبانی معرفت‌شناسی اومانیسیم، ص ۱۳۸.

۵. وحیدی منش، مقایسه مبانی مردم سالاری دینی و دموکراسی لیبرالی، ص ۱۳۴.

دارند.<sup>۱</sup> تفکر غربی در عصر جدید با رویکرد عقل‌گرایی و مدرنیته به معنای نوع خاصی از جهان‌بینی و چشم‌اندازی مشخص بود و به طور کلی به معنای دولت محوری سیاسی، بازار محوری اقتصادی و تکنولوژی و انسان محوری ایدئولوژیک و عقلانی است.<sup>۲</sup>

از نظر آموزه‌های اسلام، انسان در نظام‌های مادی، برده و بنده هوای نفس است. قرآن می‌گوید: «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ الْهَوَاةَ هَوَاةً؟<sup>۳</sup> آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خودش را معبود خود قرار داده است؟» تفکر خودمحوری و ادّعای الوهیت و ربوبیت، در جهان امروز در قالب انسان‌محوری یا اومانیسیم ظهور و بروز دارد.<sup>۴</sup>

جریان تمدن غرب با تفکری انسان‌محورانه و گریز از خدا و دین و کلیسا و پاپ و با مبنای علم‌پرستی و نهضت‌هایی با ادعای اصلاح‌طلبی دینی متولد شد. آینده‌پژوهی که در این نظام فکری و بر همین مبنا رشد کرده و تا اینجا رسیده است و طبق همین روال، راه خود را ادامه می‌دهد. رکن جهان‌بینی مدرنیسم این است که انسان، سعادت و کامیابی را در آبادسازی جهان بیرون از خود و تغییر آن بر وفق خواسته‌هایش پی می‌جوید و از این رو، درصدد بازشناختن طبیعت و سلطه یافتن بر آن است و برای شناخت طبیعت بیش از اندازه به روش تجربی اهتمام می‌ورزد و آن را حتی در عرصه‌های دیگر نیز تعمیم می‌بخشد. این زیاده‌روی موجب شده است که درک درستی از مجموعه نظامی هستی به دست نیاید و راه برای تردید در معارفی همچون معارف پیامبران گشوده گردد.<sup>۵</sup> ارزش‌های فردی و اجتماعی و فرهنگی در نظام الهی و اسلامی ارزش‌ها نه کاملاً مطلق و ثابتند که در هیچ شرایط زمانی و مکانی تغییر نکنند و نه اینکه همیشه تابع شرایط زمانی و مکانی باشد؛ بلکه اصول آن ثابت و مصداق‌ها متغیرند و ارزش‌ها در مکاتب غربی، متغیر و تابع شرایط زمان و مکان است.<sup>۶</sup>

۱. آر بلاستر، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ص ۱۹؛ صانع پور، نقدی بر مبانی معرفت‌شناسی اومانیسیم، ص ۱۷.

۲. فکوهی، تاریخ اندیشه و نظریه انسان‌شناسی، ص ۳۰۶.

۳. سوره فرقان: ۴۳.

۴. جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۳۷۰.

۵. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، فرهنگ شیعه، ص ۴۰۳.

۶. مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ص ۲۶۵.

علت ریشه‌ای این تفاوت ارزش‌های انسانی این است که در نظام فکری اسلامی، خداوند ارزش‌ها را بر اساس فطرتی تدبیر کرده که در همه انسان‌ها و در همه اعصار ثابت است؛ اما در تفکر غربی ارزش‌ها بر اساس انگیزش و میل انسان متغییر قرار داده شده است. همچنین در مکتب اسلام، انسان به دور از افراط و تفریط تعریف و توصیف می‌شود و سعادت او ناظر به حیات مادی و ابدی است.

انسان در عرف توده مردم، حیوان ناطق است. قرآن کریم این تعریف را کامل نمی‌داند. نطق لازم است؛ ولی کافی نیست؛ چون اگر کسی اهل ابتکار و صنعت و سیاست باشد، ولی همه اینها را در خدمت هوای نفس بگذارد، از نظر قرآن، «انعام» و «بهیمه» و «شیطان» است؛ بنابراین معنای عرفی انسان در ردیف جنس اوست و حدّ نهایی انسان که داوری فصل اخیر اوست، «حی متألّه» است. تألّه او در حقیقت، فصل الفصول وی است. این تعریف، هم مبین ذاتیات انسان و هم جامع افراد و مانع اغیار است.<sup>۱</sup>

در آینده‌پژوهی غربی با رویکرد تجربی، روش‌های آن نیز مبتنی بر تحلیل داده‌های حسی و تجربی است، و از طرفی انسان تنها عامل ساختن آینده محسوب می‌شود؛ اما در آینده‌پژوهی اسلامی علاوه بر استفاده از روش‌های تجربی از روش عقل نظری و عملی و وحی و مسائل ماوراءالطبیعه که در متون دینی آمده است در شناخت آینده و برنامه ریزی برای آن بهره‌مند می‌شوند. خدا باور بودن در تمام شئون زندگی، مانع تلاش و کوشش انسان نمی‌شود، و با اراده و اختیار او منافات ندارد؛ زیرا اراده انسان در طول اراده خداوند است؛ چنانکه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۲</sup>؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.

انسان خدا باور در ساختن آینده مطلوب خود باید بیشتر از انسان فردگرا تلاش کند؛ چون بر این اعتقاد است که او دارای اختیار و سرنوشت خودش به نحوه عمل خود او بستگی دارد و با عمل خود باید رضایت خداوند را نیز جلب کند. همچنین بر اساس سنت‌های حاکم بر هستی و

۱. جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۷۹.

۲. سوره رعد: ۱۱.

در سایه لطف الهی به سمت کمال انسانی و سعادت دنیا و آخرت حرکت کند و آینده مطلوب و آرامش براساس خدامحوری داشته باشد. نکته بسیار مهم اینکه در نظام فکری و گرایشی افراد خداباور، آینده تنها با فکر و قدرت و ثروت انسان ساخته نمی شود؛ بلکه اراده و خواست انسان در طول اراده خداوند، در آینده موثر است.

### انسان مادی به جای انسان ابدی

تفکر الحادی غرب و مادی‌گرایان معتقدند جهان آفرینش، خالق‌ی به نام واجب الوجود لذاته که فراتر از ماده و خالق ماده باشد، ندارد و خود را در حصار طبیعت و مادیت زندانی نموده و می‌گویند: «کل موجود فهو مادی و محسوس» و به قول بعضی از دانشمندان مادی: باید خدا را هم در سالن تشریح مشاهده کنم تا قبول کنم؛ وگرنه باور ندارم.<sup>۱</sup>

در فلسفه غرب، سال‌هاست که انسان از ارزش و اعتبار افتاده و تا حدود یک ماشین تنزل کرده است. روح و اصالت آن مورد انکار واقع شده است و اعتقاد به علت غایی و هدف داشتن طبیعت یک عقیده ارتجاعی تلقی می‌گردد. بشر امروز متواضع و فروتن است و خود را مانند موجودات دیگر بیش از مستی خاک نمی‌داند؛ از خاک پدید آمده و به خاک باز می‌گردد و به همین جا خاتمه می‌یابد. وی روح را جنبه‌ای مستقل از وجود انسان و به عنوان حقیقتی قابل بقا نمی‌شناسد و میان خود و گیاه و حیوان از این جهت فرقی قائل نمی‌شود. از نظر غرب، اصل اساسی حاکم بر وجود جانداران و از آن جمله انسان، اصل تنازع بقا است. انسان همواره می‌کوشد خود را در این نبرد نجات دهد. در غرب جهان را مانند جنگل می‌داند و باید قانون جنگل هم بر آن حاکم باشد.<sup>۲</sup>

کسانی که انسان را ناقص تعریف می‌کنند و نیمه دوم زندگی او را که ابدی و همیشگی است نمی‌بینند، تمام اندیشه و افق نگاه آنها هم دنیا و امور دنیایی خواهد بود. به عبارت دیگر هدف این آینده‌پژوهی، ترسیم آینده مطلوب برای همین دنیا است. آنان نقطه پایان انسان را مرگ

۱. محمدی، شرح کشف المراد، ص ۳۰.

۲. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۱۴۷.

می‌دانند و به بیشتر از آن فکر نمی‌کنند و کمال انسانی را محدود به همین دنیا می‌دانند. اما در اسلام بر خلاف غرب فقط علاوه بر رفاه و آسایش دنیا، به آرامش و سعادت ابدی نیز توجه فراوان دارد؛ چون اسلام انسان را ابدی می‌داند و با مرگ، لباس دنیا را از تن بیرون آورده، لباس عالم دیگر بر تن می‌کند و به حیات خود ادامه می‌دهد؛ به همین سبب، آینده‌پژوهی اسلامی با آینده‌پژوهی علمی بسیار متفاوت خواهد بود و دستاوردهای متفاوتی هم خواهد داشت. از طرفی دنیا مقدمه و زیربنای زندگی آخرت و ابدی است و این نوع نگاه و زندگی انسان به شدت در آینده‌پژوهی مؤثر است و چه زیبا امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: «الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ لَا دَارَ مَقَرٍّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا؛<sup>۱</sup> دنیا گذرگاه عبور است، نه جای ماندن. و مردم در آن دو دسته‌اند: یکی آن که خود را فروخت و به تباهی کشاند، و دیگری آن که خود را خرید و آزاد کرد».

از تبعات فردگرایی غربی و محوریت تام و تمام انسان و تکیه بر قدرت عقلانی او، سکولاریسم و حذف دین از تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی انسان است.<sup>۲</sup> با کنار گذاشتن دین از عرصه فعالیت‌های اجتماعی، فرد از دغدغه انجام امور مطابق احکام الهی فارغ می‌شود و در هنگام نیاز به وجود خدا، برای تسلی و آرامش، می‌تواند بدون عذاب وجدان حاصل از نافرمانی، دوباره به خدا پناه برد. این نوع نگرش به دین، موجب کنار نهادن دریافت‌های انجیلی از سامان‌دهی زندگی مادی و واگذاری نقشی فرودست به دین در زندگی اجتماعی است. در حقیقت، به دین نقش تسلی‌بخشی واگذار می‌شود.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد مبنای تفکر غربی، بر این اصل استوار است که واقعیتی جدای از خواست مردم وجود ندارد، تا بر اساس آن باید و نبایدها کشف شوند، و پیامد آن نسبت‌گرایی در ارزش‌ها خواهد بود. بر اساس تفکر غالب غرب که اومانستی، سکولاریستی و این‌دنیایی بودن است، هدف از زندگی انسان، لذت، ثروت، قدرت و استفاده از متاع و مزایای طبیعی و مادی است و

۱. سید رضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، حکمت ۱۳۳، ص ۴۹۳.

۲. براین، جدا انگاری دین و دنیا، مندرج در فرهنگ و دین، ص ۱۲۴.

۳. حیدری و اعرابی و امامی، بررسی تطبیقی ارزش‌ها در اسلام و لیبرالیسم و دلالت‌های تربیت اخلاقی آن، ص ۸۵.

تلاش می‌کند که فقط در این زندگی کوتاه در دنیا خوش بگذرانند.

انسان مادی‌گرا به دنبال آزادی مطلق است و به صراحت می‌گوید همان‌طور که حیوانات آزادند، بشر نیز باید از همه چیز آزاد باشد و ماوراء طبیعت را نمی‌توانند ببینند؛ ولی پیروان مکتب الهی معتقدند که فراسوی ماده و مادیات، حقایق مجردی وجود دارد که نور محض هستند و به مراتب قوی‌تر از موجودات مادی بوده، آن را تدبیر می‌کنند. چشم ظاهر افراد مادی‌گرا بینا و باز است و طبیعت را با همه زیبایی‌هایش می‌بینند؛ اما چشم باطن آنها قادر به دیدن برخی از حقایق عالم نیست. وقتی با چشم ظاهرین و عقل ناقص به آینده بنگریم و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنیم، با زمانی که علاوه بر چشم ظاهری از چشم باطن بین و ماورائی بهره می‌بریم، فرق می‌کند. از آموزه‌های دینی چنین برداشت می‌شود که رویدادهای عالم، برخی قطعی و برخی غیرقطعی است و سنت‌های الهی بر اساس قانون علیت و اسباب و مسببات بر آن رویدادها حاکمیت دارد که در علم بشری و علوم تجربی قابل فهم و درک و شناسایی نیست. افراد سکولار، راهی برای دستیابی به این سنت‌ها ندارند و لزوماً به آنها معتقد نیستند. وعده‌ها و سنت‌های الهی که باید در آینده‌پژوهی مورد توجه قرار بگیرد: «و تُرِيدُ أَنْ تُنَاقِضَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَهُمْ أُمَّةً وَ جَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»<sup>۱</sup> ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

انسان تنها موجودی است که توانایی دارد جهان را مسخر خویش سازد، و فرشتگان را به خدمت گمارد. امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ خُدَّامُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَنَّ جِوَارَ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ أَنَّ الْجَنَّةَ لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ أَنَّ الْحُورَ الْعِينِ لِلْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> خداوند، مخلوقی شریف‌تر و بزرگوارتر از مؤمن خلق نکرده است؛ زیرا فرشتگان، خدمت‌گزاران مؤمنان هستند و مؤمنان در جوار رحمت خدا هستند و بهشت برای مؤمنان است و حور العین برای مؤمنان است». انسان همچنین می‌تواند راه انحطاط و پستی را پیموده، از

۱. سوره قصص: ۵.

۲. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۸۹.

همه ارزش‌ها تهی شود و به پایین‌ترین درجه ممکن، و به تعبیر قرآن به «أَسْفَلَ السَّافِلِينَ»<sup>۱</sup> سقوط کند. در دیدگاه اسلامی، انسان دارای مبدأ و منتهایی الهی است: «إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». انسان در این عالم در حال ساختن خود و سیر دائم است و این فرآیند برای او هویتی فراهم می‌آورد که در آخرت تجلی می‌کند. انسان موجودی خداشناس و خداگرا است و به همین دلیل به سوی حقیقت و زیبایی‌ها و خیرها گرایش دارد و از جهالت‌ها و زشتی‌ها و شرها و پستی‌ها گریزان است. او می‌تواند در دامان تربیت الهی، به وسیله پیامبران و اوصیای آنان تربیت یابد و ابعاد بی‌انتهای وجودش شکوفا شود. این تصویر از انسان، کامل‌ترین و والاترین تصویری است که تمام وجود او را به نمایش می‌گذارد و چشم‌اندازی روشن برای آینده و سیر او فراهم می‌سازد. آینده‌پژوهی، دانشی است که در غرب و در دوران تسلط پوزیتیویسم بر علوم اجتماعی شکل گرفته است و در حال حاضر دین هیچ جایگاهی در آینده‌پژوهی رایج ندارد و رویکرد دنیاگرایانه و سکولاریستی دارد. اما در آینده‌نگری دین، این عرصه، از گستره‌ای بسیار وسیع‌تر برخوردار است و غیر از این دنیا، به آینده انسان در جهان آخرت نیز توجه دارد، و برای رستگاری در این دنیا و سعادت او در آخرت، دستورالعمل‌های اخلاقی مهمی ارائه داده است. اسلام در تئوری‌های آینده‌نگرانه خود، برای انسان (مؤمنان) سه مقطع از آینده را مدّ نظر قرار می‌دهد: آینده‌ای که تا قبل از ظهور «منجی» است؛ آینده‌ای که در هنگام ظهور منجی تحقق می‌یابد و آینده‌ای که در سرای دیگر (آخرت) پس از عبور انسان از گذرگاه مرگ، پیش روی انسان قرار خواهد داشت.

آینده‌پژوهی اسلامی، نسخه‌ای نو از آینده‌پژوهی است و برخلاف آینده‌پژوهی مرسوم، منبع اصلی آن، مجموع آموزه‌های دین اسلام است و نمی‌توان بدون سازگاری با اسلام و بهره‌گیری از آموزه‌های گسترده آن آینده‌پژوهی کرد. البته عقل و تجربه بشری از دیدگاه اسلام و آینده‌پژوهی اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند و نقص آنها در استفاده نکردن از آموزه‌های قطعی و مسلم دینی است که آینده‌پژوهی اسلامی با برطرف کردن این نقص، می‌تواند آینده‌پژوهی جامع و کاملی را ارائه دهد. با توجه به تعالیم دین اسلام، به امتیازهای برجسته‌ای از آینده‌پژوهی اسلامی، در مقابل آینده‌پژوهی غیردینی می‌توان اشاره کرد:

۱. سوره تین: ۵.

- تأکید بر یاری خداوند به انسان، در تحقق آینده مطلوب؛
- پیش‌بینی‌های مثبت و امیدوارکننده نسبت به آینده که باعث تأثیرگذاری مثبتی بر روحيات جوامع انسانی می‌شود؛
- ارائه تئوری‌هایی آینده‌نگرانه وسیع در سه مقطع زمانی آینده قبل از ظهور منجی، پس از ظهور منجی و در سرای آخرت؛
- وسعت نگرش آینده‌پژوهی (حتی پس از مرگ)؛
- در آینده‌نگری دینی، رشد انسانیت و کرامت‌های اخلاقی انسان، به عنوان هدف اصلی زندگی انسان بیان شده است؛ چنانکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛<sup>۱</sup> من برای تکمیل [و تکامل] کرامت‌های اخلاقی [انسان] مبعوث شده‌ام»؛ لذا تئوری‌های حال و آینده‌نگرانه اسلام (و همه ادیان الهی)، عمدتاً در جهت رشد انسانیت و تحقق عدالت و مساوات جهانی است؛ رشدی که رستگاری اُخروی و ابدی انسان را نیز تضمین می‌کند. در روح‌تعالیم اسلامی، سعادت جهان آخرت همیشه اهمیت بیشتری داشته و دارد.

### ملی‌گرایی به جای امت واحد

در اروپا بعد از جنگ جهانی اول به علل سیاسی استعماری، حس ملیت را طرح کردند. ویلسن، يك طرح چهارده ماده‌ای ریخت که یکی از مواد آن این بود که احساس ناسیونالیستی را زنده کنند.<sup>۲</sup> گرایش به جنبه‌های قومی و ملی «ناسیونالیسم» خوانده می‌شود. اسلام احساسات ملی‌گرایانه مثبت را محکوم نمی‌کند؛ بلکه احساسات منفی ملی‌گرایانه را محکوم می‌نماید. اسلام جنبه فراملی و فراقومی دارد و به همین دلیل با داعیه‌های ملی‌گرایانه مبنی بر تمایز میان ملت‌ها منافات دارد. دین اسلام، به همه ملت‌ها و اقوام مختلف جهان با يك چشم نگاه می‌کند و از آغاز نیز دعوت اسلامی به ملت و قوم مخصوصی اختصاص نداشته است. همچنین مقیاس‌های اسلامی، مقیاس‌هایی جهانی است، نه ملی و قومی و نژادی. خطاب‌ها به شکل «یا

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲.

۲. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۱، ص ۷۴.

اِيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا» است که مطلب مربوط به خصوص مؤمنان و اهل ایمان و عنوان «يا ايُّهَا النَّاسُ» خطاب به تمام انسان‌ها فارغ از تفاوت‌های قومی، نژادی و زبانی آمده است و این مطالب به خوبی جهانی بودن اسلام را می‌رساند.<sup>۱</sup>

در آینده پژوهی غربی، با توجه به وضع نابسامان موجود، و نسبت به امکانات حیات در روی کره خاکی، و ... آینده‌ای تاریک و تباه را برای انسان رقم می‌زنند، و عمدتاً با تئوری‌هایی ملی‌گرایانه، برای نجات ملت یا کشور خود از این نابسامانی‌ها، نظر خود را بیان می‌دارند. در دیدگاه‌های «ملی‌گرایانه» و «ناسیونالیستی»، آن عرصه‌ای که مدّ نظر آینده‌پژوهان قرار دارد، تنها «سرزمین» است و هدف، ترسیم آینده‌ای نیکو و منحصر به فرد برای سرزمینی خاص می‌باشد. هر چند آینده آن سرزمین، در دیدی کلان، جدا از آینده کل دنیا نمی‌باشد؛ لذا آینده‌پژوهان، تنها به یک سرزمین اهمیت می‌دهند و این آینده هم محدود به دنیای طبیعی است و گاهی منجر به نسل‌کشی و قتل‌عام‌های گسترده یا عقیم سازی ملت‌ها و جوامع می‌شود. غرب، جنبه‌های مثبت ملی‌گرایی را برای خود می‌خواهد و نکات منفی آن را که موجب اختلاف و چنددستگی می‌شود برای جوامع دیگر توصیه می‌کند، و در کنار این اتحاد و اختلاف آینده خود را می‌سازند؛ چنانکه شعارشان، «اختلاف بینداز و حکومت کن» است. اما در اسلام، همه انسان‌ها از هر نژاد و قوم و قبیله‌ای که باشند با هم برابرند و سفیدپوست‌ها نسبت به رنگین‌پوست‌ها برتری ندارند. خداوند در قرآن کریم ملاک برتری انسان‌ها از یکدیگر را تقوای الهی می‌داند و بر خلاف ملی‌گراها، فقط به قوم و ملیت خاص نمی‌پردازد و به دنبال ترسیم آینده‌ای روشن در سایه دین و ایمان است. اسلام با عنایت آموزه‌های خاتم پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام جنبه‌های منفی ملی‌گرایی را مردود می‌داند و با هدف رساندن به کمال و سعادت دنیوی و اخروی همه انسان‌ها، آینده‌ای روشن و محتوم در برابر چشمان نوع بشر قرار می‌دهد؛ آینده‌ای که در نهایت متعلق به مؤمنان است، و کافران باتمام امکاناتشان شکست خواهند خورد و مجازات می‌شوند. سعادت و رفاه بر همه جا سایه گستر می‌شود و دولت حقه الهی بر عالم حاکمیت مطلق می‌یابد. از شواهد این امر، وعده‌های مکرری است که در ادیان الهی به ظهور «منجی» داده شده است.

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۶۴.

## نتیجه گیری

به طور کلی مهم ترین و اساسی ترین وجه تمایز بین مبانی انسان شناختی آینده پژوهی اسلامی و آینده پژوهی غرب، در جهان بینی آن دو است؛ به عبارت دیگر غرب مادی گرایی و انسان محوری را نقشه غیر قابل انکار برای ترسیم آینده خود می داند و طبق آن حرکت می کند و انسان و جهان را محدود به همین دنیای مادی و محسوسات می داند؛ ولی اسلام که نظام توحیدی است، عالم مادی و دنیا را مقدمه ای برای رسیدن به افق اعلا و سعادت اخروی و ابدی می داند، و مهم بودن دنیا از باب مقدمه بودن لازم و ضروری است. در اسلام بر خلاف غرب، دنیا هدف انسان و عالم نیست، بلکه فقط یک نگاه ابزاری جهت رسیدن به کمال روحی و انسانی به آن دارد.

اهداف، مفروضات و مؤلفه های اصلی آینده پژوهی اسلامی به طور کامل با آینده پژوهی رایج متفاوت نیست و دارای وجوه اشتراکی نیز هستند. در حال حاضر نمی توان به طور کامل تفاوت ها و شباهت ها را تعیین کرد؛ بلکه باید برخی از مهم ترین اهداف، مفروضات و مؤلفه های آینده پژوهی اسلامی را ارائه داد، تا جهت گیری کلی آن مشخص شود. واقعیت انکارناپذیر حضور دین در جامعه و ارتباط آن با ارکان هویتی و تمدنی ملت ها برآمده از ضرورت های فطرت انسانی است. در منابع و مبانی نظری دین، اصول و قواعد متقنی وجود دارد که پشتوانه علمی مطالعات آینده محسوب می شود و نسبت تلازمی بین آینده پژوهی و مطالعات دینی را نشان می دهد. در واقع، مطالعات دینی با رویکردی آینده پژوهی شرایط و امکان شناخت تحولات پیش روی جامعه را به شکل عمیق تری فراهم کرده، چشم انداز رسیدن به آینده مطلوب جامعه را ترسیم می کند، و تحقق جامعه مهدوی را مصداق بارز یک جامعه مطلوب بشری مبتنی بر نظام فکری توحیدی می داند.

این تفاوت در مبنا و جهان بینی، باعث اختلاف و حتی تضاد در اصول و روش های آینده پژوهی اسلامی و غربی می شود. با توجه به ثابت بودن ارزش های الهی و دینی، نسبت به متغیر بودن ارزش ها در نظام فکری اومانیستی و غربی، آینده پژوهی دین قابل اعتمادتر و متقن تر خواهد بود.

## منابع

قرآن کریم

۱. آر بلاستر، آنتونی، **ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب**، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۲.
۲. براین ر، ویلسون، **جدلا انگاری دین و دنیا، مندرج در فرهنگ و دین** (برگزیده مقالات دائرة المعارف دین)، میرچالیاده، هیئت ترجمان (زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی)، انتشارات طرح نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.
۳. بل، وندل، **مبانی آینده پژوهی**، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲.
۴. پدرام، عبدالرحیم و عیوضی، محمدرحیم، **درآمدی بر آینده پژوهی اسلامی**، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵.
۵. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، **فرهنگ شیعه**، انتشارات زمزم هدایت، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۶.
۶. جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر انسان به انسان**، انتشارات اسراء، چاپ پنجم، قم، ۱۳۸۹.
۷. حیدری، محمدحسین؛ اعرابی، زینب؛ امامی، راضیه، **بررسی تطبیقی ارزش ها در اسلام و لیبرالیسم و دلالت های تربیت اخلاقی آن**، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
۸. شریف (سید) الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح**، انتشارات هجرت، چاپ اول، قم، ۱۴۱۴ق.
۹. صانع پور، مریم، **نقدی بر مبانی معرفت شناسی اوانیسم**، انتشارات مؤسسه فرهنگ و اندیشه معاصر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۸.
۱۰. \_\_\_\_\_، **خدا و دین در رویکردی اوانیستی**، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱، محمدرحیم؛ **مجله کتاب ماه دین**، آینده پژوهی و مطالعات دینی، شماره ۱۴۴، ۱۱. فکوهی، ناصر، **تاریخ اندیشه و نظریه انسان شناسی**، نشر نی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۲.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، انتشارات دارالحدیث، چاپ اول، قم، ۱۴۲۹ق.
۱۳. کمیحانی، داوود، **افق آینده (آینده پژوهی دینی و غیر دینی)**، بی نا، بی جا، بی تا.
۱۴. گودرزی، غلامرضا، **افق جهانی**، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. لطیفی، علی، **مبانی فلسفی علم تعلیم و تربیت**، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، قم، ۱۳۹۶.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۷. محمدی، علی، **شرح کشف المراد**، انتشارات دار الفکر، چاپ چهارم، قم، ۱۳۷۸.
۱۸. مسلمی زاده، طاهره، **پایگاه دانش آیات و روایات آینده اندیشی**، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.

۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، *انسان‌شناسی در قرآن*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ اول، قم، ۱۳۸۸.
۲۰. \_\_\_\_\_، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ پنجم، قم، ۱۳۹۴.
۲۱. \_\_\_\_\_، *جهان‌شناسی*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ اول، قم، ۱۳۹۰.
۲۲. \_\_\_\_\_، *نظریه سیاسی اسلام*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ هشتم، قم، ۱۳۹۶.
۲۳. \_\_\_\_\_، *اخلاق در قرآن*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ دهم، قم، ۱۳۹۸.
۲۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار شهید مطهری*، انتشارات صدرا، چاپ هشتم، قم، ۱۳۷۲.
۲۵. ملکی فر، عقیل و همکاران، *الفبای آینده‌پژوهی*، انتشارات کرانه علم، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶.
۲۶. منطقی، محسن، *درآمدی بر اسلام و آینده‌پژوهی*، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره چهارم، ۱۳۹۱.
۲۷. نصری، عبدالله، *سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب*، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۶.
۲۸. \_\_\_\_\_، *گفتمان مدرنیته*، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
۲۹. وحیدی منش، حمزه علی، *مقایسه مبانی مردم‌سالاری دینی و دموکراسی لیبرالی*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، چاپ اول، قم، ۱۳۸۴.